



در کتب اهل سنت شرایط و علایم ظهور

قسمت اول



فرق بین شرایط و علایم ظهور
سه تفاوت عمده بین شرایط و نشانه‌ها مطرح است:

۱. مجموعه شرایط ظهور، علت تامه در ظهور هستند؛ لذا اجتماع آن‌ها برای تحقق ظهور ضرورت دارد و بین این دو، رابطه علی و معلولی است. ولی علایم و نشانه‌های ظهور، نقش و دخلی در تحقق ظهور ندارد؛ بلکه فقط جنبه کاشفیت دارد. بنابراین اگر شرایط ظهور مهیا شد، ظهور تحقق پیدا می‌کند، ولی در علایم ظهور این گونه نیست.
۲. علایم ظهور، حوادثی پراکنده هستند و در تمام زمان غیبت، به صورت پراکنده انجام خواهد گرفت؛ برخلاف شرایط ظهور که به صورت متصل و مستمر خواهد بود و تحقق

مردم نسبت به اصل مهدویت و ظهور آن حضرت در آخرالزمان شده و موجب آمادگی و زمینه‌سازی مسلمین در جهت حرکت به سوی آن مقصد متعالی نیز خواهد شد. البته در روایات و احادیثی که شرایط و علایم ظهور را مطرح کرده، زیاده‌روی‌ها و دروغ‌پردازی‌هایی شده است، ولی تمام این اخبار و روایات را به چوب اسرائیلیات و اوهام خواندن، به یقین بی‌انصافی است. برخی مثل احمد امین، تمام این روایات را مردود دانسته و آن‌ها را دور از عقول انسانی می‌دانند!

برخی از علایم و شرایط ظهور، نزد فریقین (شیعه و سنی) متفقا مطرح شده و برخی از موارد در کتب شیعه آمده که در کتب و منابع اهل سنت مطرح نشده است و بالعکس.

درآمد
یکی از موضوعاتی که در روایات و احادیث شیعه و سنی مطرح شده، شرایط و علایم ظهور است و برخی از آن موارد، در صحاح سته نیز آمده است. البته در برخی کتب شیعه و سنی افراط‌ها و زیاده‌روی‌هایی نیز شده است؛ ولی شکی نیست که برخی از مطالب، مشترک و مورد قبول همگان است.

ممکن است برخی بپرسند که پرداختن به شرایط و علایم ظهور چه آثار و ثمراتی خواهد داشت؟ در جواب ایشان باید گفت شک و تردیدی نیست که این مسایل در جامعه و نزد مردم بسیار اثربخش خواهد بود؛ چون فهمیدن چنین مسایلی، موجب دلگرمی و طمأنینه

توجه است و وظیفه ما را در قبال ظهور امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) بسیار سنگین می‌کند.

ابن ماجه در سنن خود از عبدالله بن حرث روایت کرده که رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمود: «یخرج ناس من المشرق فیوطنون للمهدی» یعنی سلطانه؛ «مردمی از مشرق خارج شده و برای حکومت و سلطنت امام مهدی زمینه‌سازی می‌کنند.

البته احادیث دیگری نیز به همین مضامین در دیگر کتب معتبر از اهل سنت و شیعه آمده است و همگی نشان‌گر این نکته است که عده‌ای از دستداران و شیعیان حضرت برای ظهور و قیام و حکومت آن حضرت، زمینه‌سازی می‌کنند و این طایفه، از مشرق زمین حرکت خویش را آغاز می‌کنند. البته روایات تحت عنوان «روایات سود» و یا پرچم‌های سیاه داریم که از سمت مشرق و خراسان حرکت می‌کنند. این روایات را در علائم ظهور، بررسی خواهیم کرد.

ج) محل ظهور

روایات متعددی از شیعه و سنی وجود دارد براین که ظهور حضرت مهدی از مکه است. برخی از آن‌ها تصریح کرده‌اند، کنار کعبه معظمه و بین رکن و مقام، بیعت با آن حضرت آغاز می‌شود و نقطه آغازین ظهور و قیام آن بزرگوار از کنار بیت‌الله الحرام انجام می‌گیرد. تمام روایات، اتفاق نظر دارند که نقطه آغازین ظهور حضرت مهدی از مکه و از مسجدالحرام است، ولی در برخی از روایات آمده که بیعت، بین رکن و مقام صورت می‌گیرد و این نقطه آغازین ظهور است و در برخی دیگر آمده، میان زمزم و مقام صورت می‌گیرد.

ابوداود در سنن خود از ام سلمه روایت کرده که پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمودند: «فیبايعونه بين الركن والمقام...» مردم با مهدی در بین رکن و مقام بیعت می‌کنند.

و در ادامه روایت آمده است: «فاذا رأى الناس ذلك، اتاه ابدال الشام و عصاب اهل العراق فیبايعونه بين الركن و المقام...» پس زمانی که مردم آن را دیدند، بزرگانی از اهل شام و گروه‌هایی از اهل عراق به سوی او می‌آیند و با مهدی در بین رکن و مقام بیعت می‌کنند.

در برخی از روایات فریقین، ظهور حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) و بیعت با آن حضرت را از مکه و از مسجدالحرام مطرح کرده است و در روایات دیگری می‌بینیم که ابتدای ظهور را مدینه مشخص می‌کند. جمع بین این دو طائفه از روایات به این صورت است که ظهور ابتدایی حضرت مهدی در مدینه، ولی ظهور رسمی و آشکار آن بزرگوار در مکه و از کنار خانه خدا شروع می‌شود و بین رکن و مقام بیعت صورت می‌گیرد؛ لذا تناقضی بین این روایات نمی‌بینیم.

ادامه دارد...

منبع: مهدویت در صحاح سته، سید رضی قادری، انتشارات بنیاد فرهنگی مهدی موعود (عج).

ظهور، بدون شرایط آن، فاقد هر نوع توجیه عقلانی است.

۳. انسان‌ها در تحقق علائم و نشانه‌های ظهور، مسئولیتی ندارند؛ ولی در شرایط ظهور، تکلیف دارند و انسان‌ها در بخش قابل توجهی از آن، می‌توانند زمینه‌ها و شرایط را فراهم کنند.

در این شماره به مباحث کلی مربوط به ظهور می‌پردازیم و ان شاء الله در شماره آینده بیشتر به شرایط و علائم ظهور خواهیم پرداخت.

الف) حتمی بودن ظهور

یکی از موضوعاتی که در احادیث و روایات با تأکید خاص بیان شده، حتمی بودن ظهور مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) است. بی‌تردید موضوع مهمی چون مهدویت باید با چنین عبارت مؤکدی بیان شود. در سنن ابوداود و سنن ترمذی به این احادیث برخورد می‌کنیم:

– ترمذی در سنن خود از رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) نقل کرده که فرمود: «لا تذهب الدنيا حتى يملك العرب رجل من اهل بيتي»؛ دنیا به پایان نخواهد نرسید مگر آنکه مردی از اهل بیت من برعرب حکومت کند.

– ترمذی در روایت دیگری از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) نقل می‌کند که فرمود: «لولم يبق من الدنيا الا يوم لطول الله ذلك اليوم حتى يلي رجل من اهل بيتي»؛ اگر از عمر دنیا فقط یک روز باقی بماند خداوند آن روز را آن قدر طولانی خواهد کرد تا مردی از اهل بیت را برانگیزاند.

– ابوداود در سنن خود از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) روایت کرده که فرمود: «لولم يبق من الدنيا الا يوم لطول الله حتى يبعث فيه رجلا مني او من اهل بيتي يواطى اسمه اسمي».

– و نیز ابوداود نقل می‌کند که پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمود: «لا تنقض الدنيا حتى يملك العرب رجل من اهل بيتي يواطى اسمه اسمي».

– و نیز ابوداود در سنن خود از امام علی (علیه السلام) نقل کرده که پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمود: «لولم يبق من الدهر الا يوم لبعث الله رجلا من اهل بيتي يملأها عدلا كما ملئت جورا»؛ اگر از عمر روزگار جز یک روز باقی نمانده باشد، خداوند در آن روز مردی از اهل بیت مرا برمی‌انگیزد که زمین را پر از عدالت می‌کند همان گونه که پر از ظلم شده باشد.

البته روایات و احادیث به همین مضامین در کتب متعدد دیگری از اهل سنت همچون مسند احمد و المعجم طبرانی و نیز در کتب معتبر شیعی، فراوان وجود دارد که همه یک مضمون را تقویت و تأکید می‌کنند و آن، حتمی بودن ظهور حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) است.

ب) زمینه‌سازان ظهور

از دیگر مواردی که در روایات فریقین مطرح شده، زمینه‌سازی برای ظهور حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) است. این حدیث و احادیث مشابه به آن، بسیار مورد

